

بررسی تاثیر استانداردهای ۳۰ و ۳۱ حسابداری بر معیارهای ارزیابی عملکرد و ضریب واکنش سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

علی فاضل یزدی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، یزد، ایران

Fazel350@yahoo.com

زهره حیدری

(کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه قم و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد

اسلامی واحد نیشابور

Zohrehheidari67@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۶ ، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۵

چکیده

وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه یکی از ارکان مهم پاسخگویی و تصمیم گیری های آگاهانه بوده و در رشد و توسعه اقتصادی اثرگذار است. اگرچه اطلاعات مالی از منابع مختلف قابل استخراج است اما در حال حاضر صورتهای مالی هسته اولیه منابع اطلاعات مالی را تشکیل می دهد و تقریباً حسابداران مسئول تهیه و ارائه این صورتها هستند. با توجه به این که صورت های مالی بر اساس استانداردهای حسابداری تهیه و گزارش می شوند، تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. در این پژوهش تلاش می شود به این سؤال که آیا "به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر معیارهای ارزیابی عملکرد و ضریب واکنش سود تأثیرگذار بوده است؟" پاسخ داده شود. در این تحقیق از ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده، نرخ بازده دارایی ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان

معیارهای ارزیابی عملکرد و همچنین ضریب واکنش سود به منظور سنجش محتوای اطلاعاتی سود استفاده شده است. در راستای اجرای این پژوهش، اطلاعات ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از تکنیک رگرسیون مبتنی بر داده های ترکیبی حاکی از آن است که به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ از لحاظ آماری تاثیر معناداری بر معیارهای ارزش افزوده اقتصادی، نرخ بازده دارایی ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و همچنین ضریب واکنش سود دارند ولی این استانداردها از لحاظ آماری بر معیار ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده تاثیر معناداری ندارد.

واژگان کلیدی: استانداردهای حسابداری ایران، معیارهای ارزیابی عملکرد، ضریب واکنش سود، بورس اوراق بهادار تهران.

The Effects of accounting standards of 30 and 31 on Performance evaluation criteria and Earnings Response Coefficient in Listed Companies of Tehran Stock Exchange

Abstract

Availability of Transparent and comparable financial information is one of the most important elements of accountability and informed decision making, and have an impact on economic development. However financial information can be extracted from various sources, but at present financial statements constitute the primary core of information resources, and accountants are responsible for preparing and presenting these statements. According to the fact that statements are prepared and reported according to the accounting standards, develop of accounting standards have special importance. This research attempt to answer this question: "Whether application of accounting standards of 30 and 31 affect Performance Evaluation Criteria and Earnings Response Coefficient?" In this research, the information content of the earning has been measured by using Performance evaluation criteria and Earnings Response Coefficient such as Economic Value Added, Adjusted Economic Value Added, Rate of return on assets, and Rate of return on equity. In order to perform this study, information of 122 companies listed in Tehran stock exchange were selected as a statistical

sample. The results of the data analysis, by using regression techniques based on combined data, indicate that application of accounting standards of 30 and 31 has statistically significant effect on Economic Value Added, Rate of return on assets, Rate of return on equity, and also Earnings response coefficient. But these standards have no statistically significant effect on Adjusted Economic Value Added.

Keywords: Accounting Standards of Iran, Performance Evaluation Criteria, Earnings Response Coefficient, Tehran Stock Exchange.

۱- مقدمه

یکی از پیش شرط های بنیادی برای کسب اطمینان سرمایه گذاران و اعتباردهندگان در جهت فعالیت های سازنده اقتصادی، تهیه و ارائه اطلاعاتی است که در انجام تصمیم گیری های مالی و اقتصادی سودمند واقع شود. وجود مکانیزم هایی برای اطمینان دادن به سرمایه گذاران و سایر استفاده کنندگان، نسبت به کیفیت اطلاعات مالی، با اهدافی هم چون کمک به کارآیی بازار سرمایه و در نهایت تخصیص بهینه سرمایه ضروری است. حسابداری که با وظیفه اطلاع رسانی بیطرفانه گام در جامعه اطلاعاتی می نهد، نقش خطیری در افزایش کیفیت اطلاعات دارد و برای دستیابی به آن چه به عنوان هدف برای حسابداری بنا نهاده شده است، حسابداری استانداردهایی را گسترش داده و حسابداران و سایر تهیه کنندگان گزارش ها و اطلاعات حسابداری را ملزم به رعایت آن ها ساخته است. بنابراین استانداردهای حسابداری در راستای بالابردن کیفیت اطلاعات حسابداری و ایفای نقش اطلاع رسانی حسابداری به گونه مطلوب، تدوین می شوند [2]. از این رو شکوفایی اقتصاد ملی نیازمند قوانینی است که در عین شفافیت و جذاب ساختن محیط کسب و کار، با توجه به ویژگی های ملی و در تعامل با تحولات اقتصادی جهانی، با به نظم کشیدن روابط اقتصادی از حقوق فعالان این عرصه پشتیبانی کند. از جمله این قوانین می توان به استانداردهای حسابداری، مقررات بورس و قانون تجارت نام برد. ابزار مالی، بازار مالی، مؤسسات مالی، سه رکن اصلی تشکیل دهنده نظام مالی به حساب می آیند، که وظیفه نقل و انتقال وجوه مازاد در جامعه را به حوزه هایی که کمبود منابع مالی وجود دارد به عهده

دارند [16]. تدوین استانداردهای حسابداری به دلیل پیامدها و آثار فراوان آن مورد توجه افراد بسیاری است. استانداردگذاران تلاش می‌کنند با ارائه استانداردهای مناسب، کیفیت گزارشگری اطلاعات شرکت‌ها را بهبود بخشیده و از نتایج این تحقیق در ارزیابی‌هایشان در جهت تدوین استانداردهای آتی استفاده کنند. به علاوه سرمایه‌گذاران از شناخت بهتر درباره تأیید کلی استانداردهای حسابداری بر کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی نفع می‌برند. بنابراین، تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخی علمی به این پرسش است که آیا، استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری بر عملکرد (معیارهای ارزیابی عملکرد) و محتوای اطلاعاتی سود (ضریب واکنش سود) افشا شده توسط شرکت‌ها خواهند داشت؟ و چون معیارهای ارزیابی عملکرد و محتوای اطلاعاتی سود از جمله ابزارهای اصلی در استخراج اطلاعات صورت‌های مالی می‌باشد در این پژوهش سعی می‌شود تا تأثیر بکارگیری استانداردهای مورد نظر بر تعدادی از بهترین معیارهای موجود از قبیل ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده، نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و همچنین ضریب واکنش سود مورد بررسی قرار گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، می‌توان از روش‌های مورد استفاده در تحقیقات قبلی مانند ابزار اندازه‌گیری، روش نمونه‌گیری و موارد دیگری از این دست آگاه شد و به نقاط قوت و ضعف آن‌ها پی برد [9].

۲-۱- آشنایی با استانداردهای شماره ۳۰ و ۳۱ حسابداری

سود هر سهم از جمله رایج‌ترین اطلاعاتی است که در بازار مورد استفاده سرمایه‌گذاران می‌باشد. در حال حاضر، مقایسه این شاخص در طول زمان با توجه به تغییرات سرمایه شرکت‌ها در بازار بورس مشکلاتی را ایجاد می‌کند که با تدوین استاندارد حسابداری شماره ۳۰، این مشکلات برطرف می‌شود. هدف این استاندارد، تجویز ضوابط تعیین و ارائه سود هر سهم، به منظور بهبود قابلیت مقایسه عملکرد واحدهای تجاری مختلف در یک دوره گزارشگری و مقایسه عملکرد یک واحد تجاری در دوره‌های گزارشگری مختلف است. اگرچه به دلیل کاربرد رویه‌های حسابداری متفاوت در تعیین سود، اطلاعات مربوط

به سود هر سهم محدودیت هایی دارد با این حال ثبات رویه در تعیین مخرج کسر در محاسبات مربوط به سود هر سهم، گزارشگری مالی را بهبود می بخشد. لذا، تأکید اصلی این استاندارد بر مخرج کسر در محاسبه سود هر سهم است. دامنه کاربرد استاندارد ۳۰ وسیع است به طوری که این استاندارد باید توسط واحدهای تجاری که سهام عادی یا سهام عادی بالقوه آن ها به عموم عرضه شده یا در جریان عرضه عمومی است، به کار گرفته شود. بر اساس استاندارد شماره ۳۱، دارایی های غیرجاری که برای فروش نگهداری می-شود باید به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش شناسایی شود. دارایی های غیرجاری نگهداری شده برای فروش، دارایی هایی است که مبلغ دفتری آن عمدتاً از طریق فروش و نه استفاده مستمر بازیافت می گردد. محاسبه استهلاک برای این گونه دارایی ها از زمان طبقه بندی به عنوان نگهداری شده برای فروش متوقف می شود. استاندارد شماره ۳۰ ۳۱ برای کلیه صورت های مالی که دوره مالی آنها از تاریخ اول فروردین ۸۹ و بعد از آن شروع می شود، لازم الاجرا شده است.

۲-۲- معیارهای ارزیابی عملکرد

در دنیای اقتصاد امروزی و در شرایطی که هر روز محیط اقتصادی پیچیده تر و مبهم تر می شود، سرمایه گذاران و سایر ذینفعان همواره به دنبال متغیرها و عواملی هستند که بتوانند آن ها را در تصمیمات خود لحاظ کرده و گام به سوی تصمیمات بهینه تر، باسود حداکثر و ریسک حداقل بردارند. در این راستا محققان در تحقیقات مالی که در قالب مطالعات رابطه ارزشی صورت می گیرد، به ارزیابی عملکرد و قدرت توضیح دهندگی چنین متغیرهایی پرداخته اند [1].

• ارزش افزوده اقتصادی

ارزش افزوده اقتصادی معیار اندازه گیری عملکردی است که راه های منجر به افزایش یا از بین رفتن ارزش شرکت را به درستی محاسبه می نماید، این معیار نشان دهنده سود باقیمانده پس از کسر هزینه های سرمایه ای است [28]. ارزش افزوده اقتصادی هزینه فرصت همه منابع به کار گرفته شده در شرکت را مدنظر قرار می دهد [12]. با توجه به تحقیقات انجام شده نزدیک ترین مفهوم به ارزش افزوده اقتصادی، سود باقیمانده [22]. از نظر ریاضی،

نتایج حاصل از ارزش افزوده اقتصادی دقیقاً برابر مقادیری است که از طریق جریان‌ات نقدی تنزیل شده یا خالص ارزش فعلی به دست می‌آید [14]. این معیار همچنین مبتنی بر مدیریت بر مبنای ارزش که به کنترل کل ارزش ایجاد شده در یک تجارت می‌پردازد [6]. ارزش افزوده اقتصادی به طریق زیر قابل محاسبه است:

ارزش افزوده اقتصادی

$$\begin{aligned} & \text{سرمایه به کار گرفته شده} - \text{سود عملیاتی پس از کسر مالیات} = \\ & (\text{نرخ میانگین موزون هزینه سرمایه} \times \\ & = \text{سود عملیاتی پس از کسر مالیات} \\ & \text{تغییرات ذخیره مالیات} \pm \text{استهلاک انباشته} \pm (\text{نرخ مالیات} - 1) \text{ سود عملیاتی} \\ & \pm \text{تغییرات ذخیره مزایای پایان خدمت} \\ & \pm \text{تغییرات ذخیره کاهش ارزش} \\ & = \text{سرمایه به کار گرفته شده} \\ & \text{دارایی‌های ثابت دوره اول} + (\text{بدهی‌های جاری اول دوره} - \text{دارایی‌های جاری اول دوره}) \\ & + \text{مانده ذخیره مالیات اول دوره} + \text{مانده استهلاک انباشته اول دوره} \\ & + \text{مانده مزایای پایان خدمت} \\ & = k_e W_e + k_p W_p + k_d W_d = \text{نرخ میانگین موزون هزینه سرمایه} \\ & k_e = \text{نرخ هزینه سرمایه سهام عادی و سود انباشته} \quad W_p = \text{وزن مربوط به سهام ممتاز از جمع سرمایه} \\ & W_e = \text{وزن مربوط به سهام عادی و سود انباشته از جمع سرمایه} \quad k_p = \text{نرخ هزینه سرمایه سهام ممتاز} \\ & k_d = \text{نرخ هزینه سرمایه بدهی‌های بلند مدت و بهره بردار} \quad W_d = \text{وزن مربوط به بدهی‌های بهره} \\ & \text{بردار از جمع سرمایه [8].} \end{aligned}$$

ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده

ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده یک چارچوب تحلیلی را برای ارزیابی عملکرد عملیاتی و میزان ارزش ایجاد شده برای سهامداران فراهم می‌کند. شیوه محاسبه ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده مشابه معیار ارزش افزوده اقتصادی است با این تفاوت که در

محاسبه آن مخارج سرمایه ای بر اساس ارزش بازار دارایی ها شرکت محاسبه می شوند نه بر اساس ارزش دفتری آن ها [20].

• بازده دارایی ها

یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد، محاسبه بازده دارایی هاست، بازده دارایی ها توانایی شرکت را در ایجاد سود در ارتباط با میزان کل سرمایه گذاری انجام شده در شرکت اندازه گیری می کند [12]. این معیار حاصل تقسیم سود خالص عملیاتی پس از کسر مالیات بر سرمایه بکار گرفته شده است، منظور از سرمایه بکار گرفته شده نیز کل دارایی ها، به استثنای بدهی های بدون بهره است [3].

• بازده حقوق صاحبان سهام

بازده حقوق صاحبان سهام نشان دهنده قدرت شرکت در کسب سود از منابعی است که سهامداران در اختیار شرکت قرار داده اند. این معیار با تقسیم سود خالص پس از کسر مالیات در سالی معین بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (سهام عادی) در ابتدای سال محاسبه می شود [3].

۲-۳- ضریب واکنش سود

ضریب واکنش سود، بازده غیرمنتظره بازار را در واکنش به اجزای غیرمنتظره سود گزارش شده توسط شرکتی که اوراق بهادار را منتشر کرده است، اندازه گیری می کند. به عبارت دیگر ضریب واکنش سود، حساسیت بازار به اعلان سود را به وسیله ضریب شیب رگرسیون بین بازده های غیرعادی و سودهای غیرمنتظره، اندازه گیری می کند و معیاری برای ارزیابی محتوای اطلاعاتی سود می باشد [29]. با توجه به اینکه روش های مختلفی برای محاسبه ضریب واکنش سود در ادبیات محتوای سود وجود دارد، در این پژوهش از رابطه زیر برای محاسبه ضریب واکنش سود استفاده شده است [24]:

$$CAR_i = a + b (SUE_i) + e_i$$

که در آن:

CAR_i : بازدهی تعدیل شده بر اساس ریسک در سطح امنیت i برای دوره ۱۲ ماهه

SUE_i : سود سالانه غیرمنتظره نرمال شده

ei: عامل توزیع رندوم است. فرض می شود که توزیع، نرمال است. در رابطه فوق، شیب منحنی یا ضریب متغیر مستقل که با b نشان داده شده است، همان ضریب واکنش سود می باشد.

۲-۴- پیشینه پژوهش

ثقفی و ابراهیمی (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی رابطه تدوین استانداردهای حسابداری با کیفیت اطلاعات حسابداری پرداختند. نتیجه آزمون مدل ها در مجموع نشان داد که اجرای استانداردها تنها در مدل پایداری، با بهبود نسبی پایداری اضافی، همراه بوده است در حالی که در سایر مدل ها استانداردها نتوانسته اند اثر قابل ملاحظه ای داشته باشند. عباسزاده و آتشی گلستانی (۱۳۸۹) با انتخاب نمونه ای از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، این سؤال را بررسی کردند که آیا میزان ارتباط بین ده متغیر حسابداری منتخب و بازده سهام پس از لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابداری ایران، بهبود یافته است؟ یافته های تحقیق نشان دهنده وجود ارتباط بین برخی متغیرهای حسابداری منتخب و بازده سهام در هر دو دوره قبل و بعد از استانداردهاست. نیکومرام و فتحی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان "تأثیر استانداردهای ملی حسابداری ایران بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر پایداری سود در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری ایران بر پایداری سود پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که تفاوت معناداری بین پایداری سود شرکت ها قبل و بعد از اجرای استانداردهای حسابداری وجود ندارد یعنی استانداردهای حسابداری بر پایداری سود تأثیرگذار نیست. یآوری (۱۳۹۰) در تحقیق خود به دنبال پاسخ به این پرسش بود که آیا تدوین و بکارگیری استانداردهای حسابداری بر سطح افشای اطلاعات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تأثیرگذار بوده است؟ نتایج این بررسی نشان می دهد که بین میزان افشاء شرکت ها قبل از پذیرش و بکارگیری استانداردهای حسابداری با بعد از آن اختلاف آماری معناداری وجود دارد. سطح افشای اطلاعات در شرکت های پذیرفته شده در بورس با تدوین و بکارگیری استانداردهای حسابداری افزایش یافته است. ستایش و ابراهیمی (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت-

های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که محتوای اطلاعاتی سود با تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی رابطه مثبت و معناداری دارد. آرمسترانگ و همکاران^۱ (۲۰۰۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بازار سهام واکنش مثبتی به پذیرش زود هنگام استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی نشان می‌دهد و این نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران اروپایی منافع خالص را به خاطر همگرایی استانداردهای حسابداری و کیفیت بهتر اطلاعات به دنبال پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی شناسایی می‌کنند. کریستنسن و همکاران^۲ (۲۰۰۷) به آزمون نتایج اقتصادی شرکت‌های انگلیسی در مورد تصمیم اتحادیه اروپا مبنی بر اجبار اعمال استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که این‌ها تغییرات مقطعی در واکنش‌های کوتاه‌مدت بازار و تغییرات بلندمدت بر هزینه سرمایه مربوط به تصمیم‌گیری است. سوزانا و همکاران^۳ (۲۰۰۷) در تحقیقی با عنوان "تأثیر بکارگیری استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی روی مربوط بودن و قابل مقایسه بودن صورت‌های مالی" تأثیر بکارگیری استاندارد بین المللی را روی صورت‌های مالی کشور اسپانیا بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با بکارگیری استانداردهای جدید این مؤلفه‌ها نسبت به شرایط قبلی تضعیف می‌شوند. بارث و همکاران^۴ (۲۰۰۸) در تحقیقی ویژگی‌های ارقام حسابداری را برای ۲۱ کشور که استانداردهای بین المللی را به کار می‌برند در مقایسه با کشورهایی که این استانداردها را به کار نمی‌برند و متکی به استانداردهای داخلی هستند مقایسه کردند. نتایج حاکی از کاهش مدیریت سود، تشخیص به موقع زیان و ارتباط بیشتر بین قیمت سهام و بازده سهام و در واقع بهبود در کیفیت اطلاعات حسابداری مربوط بکارگیری استانداردهای بین المللی را نشان داد. آنالانتو و پتری سالستر^۵ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان "تأثیر بکارگیری استانداردهای بین المللی روی نسبت‌های مالی کلیدی" انجام دادند.

¹ Armstrong et al

² Christensen et al

³ Susana et al

⁴ Barth et al

⁵ Anna Lantto & Sahlstorm

آن‌ها در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که بکارگیری استانداردهای بین‌المللی در کشور فنلاند باعث افزایش نسبت سوآوری و کاهش نسبت قیمت به سود هر سهم و همچنین کاهش در نسبت‌های نقدی و افزایش در اهرم‌ها می‌گردد. مؤسسه دیلویت^۶ (۲۰۱۰) یکی از مؤسسات بزرگ حسابرسی آمریکا، در یک پژوهش به بررسی استانداردهای حسابداری در شرکت‌های کوچک و سهامی خاص پرداخت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این شرکت‌ها از استانداردهای حسابداری خاص خود حمایت می‌کنند. همانگونه که در بالا تشریح شد، تمامی مستندات بیان شده نشان می‌دهد که در ایران، تحقیقی در حوزه تاثیر استاندارد ۳۰ و ۳۱ بر معیارهای ارزیابی عملکرد و ضریب واکنش سود انجام نشده است، هر چند که برخی از پژوهشگران ایرانی به آثار بکارگیری استانداردها به طور کلی تحقیقات مناسبی انجام داده‌اند. بنابراین اثرات بکارگیری استاندارد ۳۰ و ۳۱ بر معیارهای ارزیابی عملکرد و محتوای اطلاعاتی سود و به ویژه تأثیر آن بر معیارهای ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده، بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و ضریب واکنش سود به عنوان متغیر وابسته و استاندارد ۳۰ و ۳۱ به عنوان متغیر مستقل انتخاب شده است.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش، تحقیقی تحلیلی است، که در پی توصیف روابط بین متغیرها با استفاده از آزمون‌های آماری است. داده‌های مورد نیاز تحقیق به شیوه‌های مختلف جمع‌آوری شده‌اند. گردآوری داده‌ها و اطلاعات برای مباحث تئوریک مانند ادبیات موضوع تحقیق به روش کتابخانه‌ای و برای بخش‌های تجربی مانند جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیرهای تحقیق با استفاده از روش میدانی و به صورت داده‌های تاریخی بوده که از طریق نرم‌افزارها و پایگاه‌های اطلاعاتی، نشریات هفتگی، ماهانه، گزارشات سالیانه و ماهنامه‌های بورس اوراق بهادار تهران و شبکه جهانی اینترنت قابل دسترسی است. پس از استخراج داده‌ها با کمک نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews7 و با به کارگیری روش رگرسیون پانل دیتا آزمون‌های آماری لازم انجام شد. برای انتخاب بین روش داده‌های

⁶ Diloitte

پانل و داده های تجمیعی از آزمون F لیمر استفاده شده است. در این آزمون فرض H_0 یکسان بودن عرض از مبداها (روش داده های تجمیعی) در مقابل فرض H_1 ، ناهمسانی عرض از مبداها (روش داده های پانل) قرار می گیرد. بنابراین، در صورت رد فرضیه H_0 روش داده های پانل پذیرفته می شود. با توجه به نتیجه ی آزمون که در آن فرضیه ی صفر برابری عرض از مبداها برای مقاطع مختلف است، با پذیرفته نشدن فرض صفر، دلیلی بر یکسان فرض نمودن عرض از مبدا واحدهای مختلف مقطعی وجود ندارد، لذا از روش رگرسیون تلفیق داده های مقطعی - زمانی (داده های پانل) استفاده می گردد. برای انتخاب از بین روش های اثرات تصادفی و اثرات ثابت برای برآورد مدل رگرسیون در روش داده های پانل، از آزمون هاسمن استفاده گردید، به این ترتیب که از آزمون هاسمن برای ارزیابی روش اثرات تصادفی استفاده می شود. فرض صفر هاسمن براساس ناهمبسته بودن اثرات تصادفی با متغیرهای توضیحی شکل می گیرد. بنابراین، در صورت رد فرض صفر، روش اثرات ثابت بر اثرات تصادفی ارجحیت دارد و در غیر این صورت از روش اثرات تصادفی استفاده می شود. به عبارتی دیگر، در صورتی که نتیجه ی آزمون موید استفاده از روش اثرات تصادفی باشد، برآوردهای این روش قابل استناد است و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده می شود.

۳-۱- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد، این جامعه آماری به این دلیل انتخاب شده است که اطلاعات مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران قابل دسترس هستند و همچنین به خاطر مقررات خاص بورس اوراق بهادار، اطلاعات مالی این شرکت ها همگن می باشند، بنابر این تجزیه و تحلیل داده ها بهتر انجام می شود. نمونه آماری در تحقیق حاضر با در نظر گرفتن قلمرو مکانی و زمانی تحقیق به این صورت انتخاب شده اند که جزء شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری نباشند و دارای چهار ویژگی زیر باشند:

۱. حداکثر تا ابتدای سال ۱۳۸۶ یا قبل از آن در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

۲. توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را در طی این مدت تغییر نداده باشند.
۳. پایان دوره مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد. (مشاهداتی را که سال مالی آن‌ها به اسفند ختم نمی‌شوند، حذف شد تا بتوان زمانی را که اجرای استانداردهای حسابداری خاص برای شرکت‌ها قابل اجرا بوده اند، مد نظر قرار داد).
۴. اطلاعات مورد نیاز در این تحقیق، درباره شرکت‌ها در دسترس باشند. همان‌طور که بیان شد، به روش حذفی شرکت‌های مورد مطالعه را از بین جامعه آماری، انتخاب شده است. در نتیجه فرآیند ذکر شده، تعداد ۱۲۰ شرکت (۷۲۰ مشاهده - سال شرکت) به عنوان شرکت‌های مورد مطالعه انتخاب شده اند.

۲-۳- فرضیه های پژوهش

هر فرضیه یک حدس و احتمال زیرکانه مبتنی بر دانش یا تجربه در مورد حل یک مسأله یا پاسخ به یک سؤال است و آن را می‌توان یک رابطه فرضی بین دو متغیر دانست که به صورت گزاره‌های قابل آزمون ارائه می‌شود [5].

با توجه به مسئله پژوهش، فرضیه‌هایی به شرح زیر ارائه گردیده است:

فرضیه اول: به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی ارزش افزوده اقتصادی دارد.

فرضیه دوم: به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده دارد.

فرضیه سوم: به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی نرخ بازده دارایی‌ها دارد.

فرضیه چهارم: به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی نرخ بازده حقوق صاحبان سهام دارد.

فرضیه پنجم: به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی ضریب واکنش سود دارد.

۴- یافته های پژوهش

- آزمون لیمر و هاسمن

جدول شماره ۱ نشان دهنده ی نتایج آزمون های لیمر و هاسمن در برآورد مدل های رگرسیونی است. همانگونه که ملاحظه می شود، در تمامی مدل های به کار رفته فرضیه H_0 مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدا رد شده لذا مدل ها پانل می باشد. همچنین بر اساس آزمون هاسمن چون برای تمام مدل ها Prob. کمتر از ۵ درصد است مدل اثرات ثابت در سطح معنی داری ۹۵ درصد به بالا پذیرفته می شود.

جدول شماره (۱): نتایج آزمون های F لیمر و χ^2 هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون لیمر			فرضیه های تحقیق
Prob.	Chi-Sq.Statistic	df	Prob.	Cross-section F	df	
۰/۰۴۳۸	۸/۲۶۰۲۲۷	۴	۰/۰۲۱۶	۱/۲۹۰۹۵۲	(۱۲۰,۵۹۶)	فرضیه ۱
۰/۰۳۹۰	۹/۱۷۳۲۰۴	۴	۰/۰۴۹۸	۱,۲۷۴۳۵۸	(۱۲۰,۵۹۶)	فرضیه ۲
۰/۰۲۴۷	۱۱/۱۷۰۴۸۶	۴	۰/۰۰۰	۲/۸۶۲۶۹۵	(۱۲۰,۵۹۶)	فرضیه ۳
۰/۰۳۵۰	۹/۲۷۳۷۰۴	۴	۰/۰۴۳۹	۱/۲۶۰۴۴۹	(۱۲۰,۵۹۶)	فرضیه ۴
۰/۰۴۹۰	۸/۱۴۹۵۹۵	۴	۰/۰۱۵۵	۱/۳۳۸۷۶۹	(۱۲۰,۵۹۶)	فرضیه ۵

ماخذ: یافته های تحقیق

• تجزیه و تحلیل فرضیه اول پژوهش

هدف از فرضیه اول تحقیق، بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر روی ارزش افزوده اقتصادی است. در راستای این هدف، معادله ی زیر برآورد شده که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

$$EVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 STANDARD_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 OMREB_{it}$$

جدول شماره (۲): نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه اول تحقیق

ضرایب برآورد شده	آزمون T		توجه: در صورتی که مقدار آماره آزمون از مقدار بحرانی کمتر باشد، فرضیه رد می شود.	توجه: در صورتی که مقدار آماره آزمون از مقدار بحرانی کمتر باشد، فرضیه رد می شود.	آزمون F		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون			سطح معنی داری	آماره آزمون	
۱۹۶۸۱۰۶۶	۰/۰۱۱۴	۲/۵۳					عرض از مبدا
۲۷۴۵۲۴۲	۰/۰۱۵۵	۲/۴۲					استاندارد

اندازه شرکت	۴/۲۶	۰/۰۰۲	۰/۰۲۳	۰/۰۱۷	-۲/۵۷	۰/۰۱۰۳	-۳۶۷۷۰/۴۷
عمر شرکت					۰/۷۹	۰/۴۲۵۵	۴۰۵۳۷/۵۲
عمر بورسی					-۰/۹۳	۰/۳۴۹۰	-۶۴۶۵۶/۷۳

ماخذ: یافته های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۲، همانطور که از سطح معنی داری (Prob.F) و آماره ی آزمون F (F-Statistic) مشخص می باشد بین استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ و متغیرهای کنترلی با ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معنی داری وجود دارد. آماره F نیز ۴/۲۶ بوده و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن کل رگرسیون را تایید می نماید. همچنین با توجه به سطح معنی داری (Prob.) و آماره ی آزمون T (T-Statistic) می توان نتیجه گرفت که بکارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیر مثبت و معنی داری بر روی ارزش افزوده اقتصادی دارد. در مورد متغیرهای کنترلی لازم به ذکر است که متغیر اندازه شرکت رابطه ی منفی و معنی داری با ارزش افزوده اقتصادی دارد و در مورد متغیرهای عمر شرکت و عمر بورسی با ارزش افزوده اقتصادی رابطه معنی داری به دست نیامد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۱ درصد بوده که مبین این است که، ۱ درصد از تغییرات ارزش افزوده اقتصادی به وسیله ی متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود.

• تجزیه و تحلیل فرضیه دوم پژوهش

هدف از فرضیه دوم تحقیق، بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر روی ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده است. در راستای این هدف، معادله ی زیر برآورد شده که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

$$REVA_{it} = \beta_0 + \beta_1 STANDARD_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 OMREBit$$

جدول شماره (۳): نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه دوم تحقیق

ضرایب برآوردشده	آزمون T		تفسیر	آزمون F		نام متغیر
	سطح	آماره		سطح	آماره	

	معنی داری	آزمون			معنی داری	آزمون	
۶۴۹۶۳۱۳۶	۰/۱۳۷۲	۱/۴۸					عرض از مبدا
۶۸۳۵۹۹۷	۰/۱۶۱۶	۱/۴۰					استاندارد
-۱۳۰۲۶۴۷۵	۰/۱۱۳۵	-۱/۵۸					اندازه شرکت
۲۲۵۲۸۷/۰	۰/۳۷۱۴	۰/۸۹	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۴۳	۰/۹۴	عمر شرکت
-۷۶۴۱۸/۰۶	۰/۸۰۷۰	-۰/۲۴					عمر بوردی

ماخذ: یافته های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۳، همانطور که از سطح معنی داری (Prob.F) و آماره ی آزمون F (F-Statistic) مشخص می باشد بین استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ و متغیرهای کنترلی با ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده ارتباط معنی داری وجود ندارد. آماره F نیز ۰/۹۴ بوده و معنادار بودن کل رگرسیون رد می شود. همچنین با توجه به سطح معنی داری (Prob.) و آماره ی آزمون T (T-Statistic) می توان نتیجه گرفت که بکارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیر معنی داری بر روی ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده ندارد. در مورد متغیرهای کنترلی لازم به ذکر است که متغیرهای اندازه، عمر شرکت و عمر بوردی رابطه ی معنی داری با ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده ندارد.

• تجزیه و تحلیل فرضیه سوم پژوهش

هدف از فرضیه سوم تحقیق، بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر روی نرخ بازده دارایی ها است. در راستای این هدف، معادله ی زیر برآورد شده که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 STANDARD_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 OMREBit$$

جدول شماره (۴): نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه سوم تحقیق

ضرایب برآورده شده	آزمون T		F	آزمون F		نام متغیر
	سطح	آماره		سطح	آماره	

معنی داری	آزمون			معنی داری	آزمون	
-۱۶/۸۵	۰/۰۰۰۰	-۶/۱۱				عرض از مبدا
۲۰/۱۷	۰/۰۰۰۰	۱۹/۲۵				استاندارد
۱/۷۳	۰/۰۰۰۱	۳/۸۲				اندازه شرکت
-۰/۰۱۷	۰/۴۳۰۴	-۰/۷۸	۰/۳۶۷	۰/۳۷۰	۰/۰۰۰	۱۰۶/۱۸ عمر شرکت
-۰/۰۹۹	۰/۰۰۱۷	-۳/۱۵				عمر بورسی

ماخذ: یافته های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۴، همانطور که از سطح معنی داری (Prob.F) و آماره ی آزمون F (F-Statistic) مشخص می باشد بین استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ و متغیرهای کنترلی با نرخ بازده دارایی ها ارتباط معنی داری وجود دارد. آماره F نیز ۱۰۶/۱۸ بوده و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن کل رگرسیون را تایید می نماید. همچنین با توجه به سطح معنی داری (Prob.) و آماره ی آزمون T (T-Statistic) می توان نتیجه گرفت که بکارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیر مثبت و معنی داری بر روی نرخ بازده دارایی ها دارد. در مورد متغیرهای کنترلی لازم به ذکر است که متغیر اندازه شرکت رابطه ی مثبت و معنی دار و متغیر عمر بورسی رابطه ی منفی و معنی داری با نرخ بازده دارایی ها دارد و در مورد متغیر عمر شرکت با نرخ بازده دارایی ها رابطه معنی داری به دست نیامد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۳۶ درصد بوده که مبین این است که، ۳۶ درصد از تغییرات بازده دارایی ها به وسیله ی متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود.

• تجزیه و تحلیل فرضیه چهارم پژوهش

هدف از فرضیه چهارم تحقیق، بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر روی نرخ بازده حقوق صاحبان سهام است. در راستای این هدف، معادله ی زیر برآورد شده که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

$$ROE_{it} = \beta_0 + \beta_1 STANDARD_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 OMREBit$$

جدول شماره (۵): نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه چهارم تحقیق

ضرایب برآورد شده	آزمون T		ضریب شده تعیین تعدیل	ضریب تعیین تعدیل	آزمون F		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون			سطح معنی داری	آماره آزمون	
-۰/۵۴	۰/۰۰۰۰	-۶/۹۶	۰/۲۰۷	۰/۲۱۲	۰/۰۰۰	۴۸/۵۹	عرض از مبدا
۷۷/۷۶	۰/۰۰۰۰	۱۳/۷۲					استاندارد
۰/۵۲	۰/۴۷۰۳	۰/۷۲					اندازه شرکت
۰/۱۰۴	۰/۰۳۲۲	۲/۱۴					عمر شرکت
-۰/۱۲	۰/۰۶۴۴	-۱/۸۵					عمر بورسی

ماخذ: یافته های تحقیق

با توجه به جدول شماره ۵، همانطور که از سطح معنی داری (Prob.F) و آماره ی آزمون F (F-Statistic) مشخص می باشد

بین استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ و متغیرهای کنترلی با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط معنی داری وجود دارد. آماره F نیز ۴۸/۵۹ بوده و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن کل رگرسیون را تایید می نماید. همچنین با توجه به سطح معنی داری (Prob.) و آماره ی آزمون T (T-Statistic) می توان نتیجه گرفت که بکارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیر مثبت و معنی داری بر روی نرخ بازده حقوق صاحبان سهام دارد. در مورد متغیرهای کنترلی لازم به ذکر است که متغیرهای اندازه شرکت و عمر بورسی رابطه ی معنی داری با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ندارد، ولی بین متغیر عمر شرکت با نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۲۰ درصد بوده که مبین این است که، ۲۰ درصد از تغییرات بازده حقوق صاحبان سهام به وسیله ی متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود.

• تجزیه و تحلیل فرضیه پنجم پژوهش

هدف از فرضیه پنجم تحقیق، بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر روی ضریب واکنش سود می باشد. در راستای این هدف، معادله ی زیر برآورد شده که نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

$$ERC_{it} = \beta_0 + \beta_1 STANDARD_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_4 OMREBit$$

با توجه به جدول شماره ۶، همانطور که از سطح معنی داری (Prob.F) و آماره ی

جدول شماره (۶): نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه پنجم تحقیق

ضرایب برآورد شده	آزمون T		تسهیل تجزیه	تسهیل تجزیه	آزمون F		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون			سطح معنی داری	آماره آزمون	
-۰/۶۲	۰/۰۰۰۰	-۹/۰۸	۰/۲۱۱	۰/۲۱۶	۰/۰۰۰	۴۹/۶۷	عرض از مبدا
۰/۵۸	۰/۰۰۰۰	۱۱/۶۶					استاندارد
۰/۰۳	۰/۰۰۰۰	۴/۳۸					اندازه شرکت
۰/۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۶/۴۰					عمر شرکت
-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰۰	-۶/۸۳					عمر بورسی

ماخذ: یافته های تحقیق

آزمون F (F-Statistic) مشخص می باشد بین استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ و متغیرهای کنترلی با ضریب واکنش سود ارتباط معنی داری وجود دارد. آماره F نیز ۴۹/۶۷ بوده و با ضریب اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن کل رگرسیون را تایید می نماید. همچنین با توجه به سطح معنی داری (Prob.) و آماره ی آزمون T (T-Statistic) می توان نتیجه گرفت که بکارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیر مثبت و معنی داری بر روی ضریب واکنش سود دارد. در مورد متغیرهای کنترلی لازم به ذکر است که متغیرهای اندازه و عمر شرکت رابطه ی مثبت و معنی داری با ضریب واکنش سود دارد ولی متغیر عمر بورسی رابطه ی منفی و معنی داری با ضریب واکنش سود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل ۲۱ درصد بوده که مبین این است که، ۲۱ درصد از تغییرات ضریب واکنش سود به وسیله ی متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

اگرچه اطلاعات مالی از منابع مختلف قابل استخراج است، اما در حال حاضر، صورت‌های مالی هسته اصلی منابع اطلاعات مالی را تشکیل می‌دهد و بنابراین باید از کیفیت مطلوبی برخوردار باشند. صورت‌های مالی زمانی از کیفیت مطلوب برخوردار خواهد بود که براساس ضوابط معتبر یعنی استانداردهای حسابداری تهیه شده باشد [17]. فرانسیس و همکاران⁷ (۲۰۰۵) بیان می‌دارند یکی از عناصر کلیدی گزارش‌های مالی، سود خالص است. سود خالص گزارش شده در صورت‌های مالی به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد و تعیین‌کننده ارزش بنگاه اقتصادی تلقی می‌گردد که همواره مورد استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان نظیر حرفه حسابداری، مدیران مالی، تحلیل‌گران بازار سهام، سرمایه‌گذاران و سهامداران قرار می‌گیرد. سئوالی که مطرح می‌شود این است که اجرای استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر معیارهای عملکرد و محتوای اطلاعاتی سود تأثیر دارد یا خیر؟ از آنجایی که معیارهای ارزیابی عملکرد یکی از ابزارهای رایج جهت تفسیر اطلاعات موجود در صورت‌های مالی هستند. لذا می‌توان تغییرات در اطلاعات موجود در صورت‌های مالی را به خوبی در نوسانات آن‌ها مشاهده کرد. در این تحقیق برای سنجش عملکرد مالی از برخی معیارهای ارزیابی عملکرد مانند ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده، بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام و برای سنجش محتوای اطلاعاتی سود از معیار ضریب واکنش سود استفاده شده است تا به واسطه اهمیت این نسبت‌ها در تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، تأثیر استانداردهای شماره ۳۰ و ۳۱ بر این نسبت‌ها مشخص شود. قلمرو زمانی تحقیق طی سال-های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ (دوره ۶ ساله) بوده و تعداد ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. هم‌چنین برای آزمون فرضیات تحقیق از رگرسیون مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از این تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تحقیق حاکی از آن است که به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ از لحاظ آماری تأثیر معنی‌داری بر معیارهای ارزش افزوده اقتصادی، بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و

⁷ Francis et al

ضریب واکنش سود دارند ولی این استانداردها از لحاظ آماری بر معیار ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده تاثیر معنی دار ندارند. یافته های آماری مربوط به پژوهش را می توان به صورت خلاصه در جدول شماره ۷ مشاهده نمود:

جدول (۷): خلاصه یافته های تحقیق

فرضیه های تحقیق	سطح معنی داری	ضریب تعیین	نتیجه فرضیه
به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی ارزش افزوده اقتصادی دارد.	۰/۰۱۵۵	۰/۰۲۳	در سطح معنی داری ۵ درصد تایید می شود.
به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده دارد.	۰/۱۶۱۶	۰/۰۰۵	در سطح معنی داری ۵ درصد رد می شود.
به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی نرخ بازده دارایی ها دارد.	۰/۰۰۰۰	۰/۳۷۰	در سطح معنی داری ۵ درصد تایید می شود.
به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی نرخ بازده حقوق صاحبان سهام دارد.	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۲	در سطح معنی داری ۵ درصد تایید می شود.
به کارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ تأثیری معنادار بر روی ضریب واکنش سود دارد.	۰/۰۰۰۰	۰/۲۱۶	در سطح معنی داری ۵ درصد تایید می شود.

هدف از تدوین استاندارد، ایجاد یکنواختی و قابلیت مقایسه اطلاعات مالی شرکت ها و در نتیجه بهبود کیفیت اطلاعات مالی می باشد تا اطلاعات سودمندی در اختیار استفاده

کنندگان صورت های مالی قرار گیرد. همچنین تدوین استاندارد حسابداری سبب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار می گردد. لذا پیشنهاد می گردد کمیته تدوین استانداردها نسبت به تکمیل پروژه استانداردهای ملی اقدام نمایند و در این راستا تلاش بر هرچه بومی کردن این استانداردها باشد تا موجبات کاهش هرچه بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی فراهم آید و به تبع آن گرایش سرمایه گذاران به سرمایه گذاری در بورس افزایش یابد. طبعاً این امر سبب رونق بازار سرمایه و انتفاع بیشتر سرمایه گذاران خواهد شد. اما کمیته تدوین استانداردها باید به هزینه های الزامی کردن استاندارد ها نیز توجه داشته باشد. چنانچه منافع استاندارد بیشتر از مخارج آن باشد باید آن استاندارد لازم الاجرا گردد. با توجه به یافته های این پژوهش که بکارگیری استاندارد ۳۰ و ۳۱ برخی از معیارهای ارزیابی عملکرد (ارزش افزوده اقتصادی، بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام) و همچنین محتوای اطلاعاتی سود (ضریب واکنش سود) را تحت تاثیر قرار می دهد، بنابراین، به نظر می رسد هزینه های الزامی کردن و بکارگیری این دو استاندارد کمتر از منافع آن بوده و بکارگیری این دو استاندارد منجر به بهبود کیفیت اطلاعات مالی شده است. با توجه به این که موضوع این تحقیق در ایران تا کنون انجام نشده است، و نیز با توجه به موارد مشابه انجام شده در خارج از کشور، پیشنهاد می شود محققان و دانشجویان به بحث و تحقیق درباره موارد زیر پردازند:

۱. در تحقیق حاضر از نسبت های مالی به عنوان نماینده محتوای اطلاعاتی سود استفاده شد. پیشنهاد می شود در تحقیقات آینده از سایر مؤلفه های محتوای اطلاعاتی سود نظیر ضریب واکنش سود استفاده شود.
۲. پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی میزان بکارگیری استانداردهای حسابداری بر مربوط بودن اطلاعات مورد بررسی قرار گیرد.
۳. پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی میزان بکارگیری استانداردهای حسابداری شماره ۳۰ و ۳۱ بر محتوای اطلاعاتی سود به تفکیک صنایع مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

۱. پورحیدری، امید و کرمشاهی، بهنام. (۱۳۸۹). "بررسی محتوای اطلاعاتی سود حسابداری با در نظر گرفتن میزان کارآیی بازار در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۸۷-۱۰۸.
۲. ثقفی، علی و ابراهیمی، ابراهیم. (۱۳۸۸). "رابطه تدوین استانداردهای حسابداری با کیفیت اطلاعات حسابداری"، **فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۵۷، صص ۳۳-۵۰.
۳. حجازی، رضوان و حسینی، عارفه. (۱۳۸۵). "مقایسه رابطه ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده اقتصادی با معیارهای حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران"، **پژوهشنامه اقتصادی**، سال چهارم، شماره ۶، صص ۲۳۷-۲۶۲.
۴. حسینی، مهدیه السادات. (۱۳۸۸). استانداردهای حسابداری و تأثیر آن بر ساختار سرمایه شرکت های ایرانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد یزد.
۵. خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۲). **روش تحقیق در مدیریت**، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. رهنمای رودپشتی، فریدون و نیکومرام، هاشم و شاهوردیانی، شادی. (۱۳۸۵). **مدیریت مالی راهبردی (ارزش آفرینی)**. انتشارات شابک.
۷. ستایش، محمد حسین و ابراهیمی، فهیمه. (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه دانش حسابداری**، شماره ۸، صص ۳۱-۴۸.
۸. سجادی، حسین و زارع زاده، محمد صادق. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین طرح های پاداش مدیران و معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مجله پژوهش های حسابداری مالی**، سال سوم، شماره ۴، صص ۴۱-۵۴.
۹. سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۹۱). **روش های تحقیق در علوم رفتاری**، ویرایش اول، چاپ بیست و چهارم، انتشارات آگه.

۱۰. عباس زاده، محمدرضا و آتش گلستانی، حجت‌الله. (۱۳۸۹). "متغیرهای حسابداری و پیش‌بینی بازده سهام (قبل و بعد از لازم‌الاجرا شدن استانداردهای حسابداری)". **مجله دانش و توسعه**، شماره ۳۳، صص ۲۸-۱.
۱۱. مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۷). مبانی نظری و گزارشگری مالی. سازمان حسابرسی. نشریه ۱۱۳.
۱۲. مقدم، عبدالکریم و کاظم پور، سمیه. (۱۳۹۱). "تأثیر مالکیت خصوصی بر ارزش افزوده اقتصادی و نرخ بازده دارایی‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۱۴، صص ۱-۲۶.
۱۳. مهدوی، غلامحسین و کارجوی رافع، نریمان. (۱۳۸۴). "بررسی تأثیر استانداردهای ملی حسابداری بر کیفیت اظهارنظر حسابرسان مستقل"، **مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز**. شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۳۲.
۱۴. نوروش، ایرج و مشایخی، بیتا. (۱۳۸۳). "سودمندی ارزش افزوده اقتصادی در پیش‌بینی سود حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۷۵-۸۱"، **فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، شماره ۳۶.
۱۵. نیکو مرام، هاشم و فتحی، زاداله. (۱۳۹۰). "تأثیر استانداردهای ملی حسابداری ایران بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر پایداری سود در بورس اوراق بهادار تهران". **مجله حسابداری مدیریت**، شماره ۸، صص ۳۱-۴۵.
۱۶. وکیلی‌فرد، حمیدرضا و جعفری، علیرضا و ترکانی، شهلا. (۱۳۸۸). "بررسی میزان رعایت استانداردهای حسابداری ایران، مقررات بورس و قانون تجارت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **فصلنامه حسابداری مالی**، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۵.
۱۷. یاوری، محسن. (۱۳۹۰). تأثیر استانداردهای حسابداری ایران بر کفایت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
18. Anna, Lantto & Sahlstorm , Petri.(2009). Impact of International Financial Reporting Standard Adoption on Key Financial Ratios. *Accounting and Finance* 49.
19. Armstrong, C., M. E. Barth, A. D. Jagolinzer, and E. J. Riedl. (2007). "Market reaction to the adoption of IFRS in Europe", Working paper, Stanford Graduate School of Business.

20. Bacidor, M & Boquist, T & Milbourn, T & Thakor, V. (1997). The search for the best financial performance measure, financial analysts journal, vol 55, issue 3, pp 10-20.
21. Barth, Mary, Wayne Landsman, Lang, Mark. (2008). International Accounting standards and Accounting Quality. Journal of Accounting Research. 46, No. 3.
22. Breely, S & Myers, C & Marcus, A. (2001). "Fundamental of Corporate finance", Mc Grow Hill.
23. Callao, Susana, Jarne, Jos e I, and La Inez Jos e A. (2007). Adoption of IFRS in Spain: Effect on the comparability and relevance of financial reporting. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation 16.
24. Chenng, G & Crabtree, A & Smith, D. (2007). "The Effects of Backdating on Earning Response Coefficients" , <http://www.ssrn.com>.
25. Christensen, J.W, Rundgren. (2007). Predator odor per se does not frighten domestic horses. Appl. Anim. Behav. Sci. 76:25-26.
26. Diloitte. (2010). Accounting Standards in Small Company. www.diloitte.com.
27. Francis, J; Lafond, R; Olsson, P & K. Schipper. (2005). " The market pricing of accruals quality ", Journal of accounting and economics, vol. 39, PP 295-327.
28. G. Bennet Stewart. (1997). "the quest for value", Harper/Collins publisher, inc.
29. Scott, W.R., (2003), Financial Accounting Theory, Third Edition, Toronto, Prentice Hall, 91-173.